

متن پرسش

سلام علیکم: متشکر از وقتی که می گذارید. یکی از علماء در درس خارج فرمودند که «عطار نیشابوری» و نیز «مولوی» و «ملا رومی» از صوفیان هستند و آراء واقعا بدی دارند. ایشان استناد به مقدس اردبیلی (ره) کردند که خود در آن زمان بوده اند و فرمودند که ایشان در کتاب «حدیقه الشیعه، صفحه ۵۶۷ تا ۵۶۹» در مورد صوفیان نکاتی را ذکر کرده اند. همان طور که مستحضرید صوفیان قائل به «وحدت وجود» و «حلول» هستند. ایشان نیز بیان کردند که شیخ عطار خیلی گنااهش بزرگ است، او در کتاب تذکره الاولیاء بسیار از صوفیان سخن گفته و حتی روایاتی از اهل بیت (ع) را به نام صوفیان قالب می زند. ایشان فرمودند که: شیعه و سنی نقل کرده اند که شیخ عطار هنگام مرگ به دست یکی از مغولان، می گوید: کلاه تتاری بر سر می گذاری و در این صورت خود را به من می نمایی و قصد قتل می کنی، گمان داری که من تو را نمی شناسم، بکش که هزاران جان من فدای شمشیر تو باد. این قضیه به وضوح اعتقاد باطل شیخ عطار را بیان می کند. یا مثلا مولوی گفته است: چون که بی رنگی اسیر رنگ شد / موسی با موسی در جنگ شد چون به بی رنگی رسی کان داشتی / موسی و فرعون دارند آشتی (یعنی حضرت موسی را با فرعون، یکی می دارند) باز خود مولوی می گوید: ما همه شیران ولی شیر علم / حملشان از باد باشد دم به دم حمله شان پیدا و نا پیداست باد / جان فدای آنکه نا پیداست باد (ممکن است شعر را اشتباه نوشته باشم). با این تفاسیر، لطفا نظراتان را مستدل بفرمائید. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث در این مورد بسیار زیاد است. دلیل شیعه بودن عطار آن قدر است که حتی او را به اتهام شیعه بودن از شهر هرات اخراج کردند. در مورد مولوی می توان همان نظری را داشت که برای محی الدین هست. آقای بدیعی در کتابی که در مورد محی الدین نوشته اند، نظر علمای مختلف را در مورد شیعه بودن و تقیه کردن و یا سنی بودن آورده اند. در قسمت ارشویو سوالات نکاتی در مورد محی الدین هست. موفق باشید